

## بررسی اسالیب تاکید و کارکردهای آن در سوره یوسف علیه السلام از منظر علم نحو و بلاغت

محمد سعادت<sup>۱</sup>، مهرداد آقائی<sup>۲</sup>، شهریار گیتی<sup>۳</sup>، فرهاد صیامی ایواتلو<sup>۴</sup>

### چکیده

قرآن کریم کتابی است جاودانه و از جانب پروردگار متعال برای هدایتگری و رستگاری انسانها با بهترین الفاظ و شیوه بر قلب پیامبر نازل شده است. همواره جنبه های مختلف قرآن از جمله؛ فصاحت و بلاغت آن مورد توجه پژوهشگران و متخصصین علوم دینی قرار گرفته است. از پژوهش های مورد توجه در این زمینه بحث مربوط به اسالیب تاکید به کار رفته در آیات قرآن است. پژوهش حاضر در صدد است تا با بهره گیری از روش کتابخانه ی و با تکیه بر شیوه ی توصیفی- تحلیلی، ابتدا به بیان برخی از ابزارهای گوناگون موکدات و محلقات آن و اسالیب تاکید به کار گرفته شده در آیات سوره یوسف (علیه السلام) را از منظر علم نحوی و بلاغی مورد بررسی قرار دهد و سپس به بیان کارکردهای هر کدام از اسالیب تاکید در هر یک از آیات بپردازد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که ابزارهای مختلف تاکید در اکثر آیات به کار گرفته شده است و نشان دهنده این است که خداوند برای اهمیت موضوع و مقتضای جمله آنها را به کار برده است.

کلید واژه: قرآن کریم، بلاغت، نحو، اسلوب تاکید

۱- دانشجوی ارشد ادبیات عربی گرایش زبان و ادبیات عربی دانشگاه محقق اردبیلی  
Email:mohammads.saadati@gmail.com

۲- دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی  
m.aghaei@uma.ir

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی

۴- دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث از دانشگاه پیام نور مهاباد

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

## مقدمه

قرآن کریم کتابی است که همواره در طول تاریخ اسلام مورد استفاده مسلمانان و غیر مسلمانان گشته است. این کتاب مقدس زبان ارتباطی خالق نسبت به انسانهاست. خداوند بزرگ برای بیان اهداف و مقصود خود از روشهای مختلفی بکار برده است که یکی از این روشها که زینت بخش کلام شده است تأکیدات است. پر واضح است که هر یک از این تأکیدات با اهداف و بیانی بی نظیر آورده شده است. غرض از تأکید، تثبیت امر تکرار شده در نفس شنونده و رفع مجاز یا سهو و فراموشی در کلام است. از این رو مفسران و اندیشمندان در حوزه قرآنی به بررسی و تحلیل آن در رمز و راز آن پرداخته‌اند. تأکیدات گوناگونی که در قرآن کریم به کار گرفته شده است می‌توان به نوعی از آن به اعجاز قرآنی یاد کرد؛ زیرا خداوند متعال، آن را برای اهمیت و جایگاه موضوع، درک و فهم مخاطب با بهترین شیوه ممکن به کار بسته است.

## بیان مسئله

از مباحثی علوم قرآنی که همواره مورد توجه مفسران و پژوهشگران در زمینه بلاغت و نحو مورد توجه قرار گرفته است مباحث مربوط به اسالیب تأکیدات است. هر زبانی ابزارهای گوناگونی برای تأکید و تقویت امر متبوع خود دارد و آن را برای بیان و غرض خود در جهت القای مفاهیم به کار می‌گیرد. ، کتاب قرآن، کتابی است که به زبان عربی از جانب پروردگار متعال نازل شده است و دارای بیشترین اسلوب تأکید بوده و از انسجام و استواری و اعجاز لفظوی و معنوی خاصی برخوردار می‌باشد. اهمیت این موضوع از این روست که کلمات تأکیدی در موضوعات مطرح شده دلیلی بر علم محکم خداوند و همچنین دلیلی بر معجزه و شگفت‌انگیز بودن این کتاب آسمانی است که آن را نسبت به سایر کتب برتری داده است.

## سوال پژوهشی:

کدامیک از انواع تأکیدات در سوره حضرت (علیه السلام) از بسامد بالایی برخوردار است؟

## پیشینه و ضرورت تحقیق

تاکنون در مورد موضوع بررسی اسالیب تأکید در سوره یوسف علیه السلام و بیان کارکردهای آن از منظر علم نحو و بلاغت هیچ پژوهشی یا تحقیقی صورت نگرفته است اما پژوهش‌هایی مشابهی نزدیک به این موضوع صورت گرفته است که می‌توان موارد زیر را از آن جمله یاد کرد:

- فاطمه طباطبایی (۱۳۸۸) اسلوب تأکید غیر مصطلح در علم نحو با نمونه‌های قرآنی، استاد راهنما جلال مرامی، دانشگاه علامه طباطبایی، (دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی)، این پژوهش در هفت فصل تقسیم بندی شده و موارد مختلف تأکید مورد بررسی واقع شده است.
- حجت رسولی و قادر قادری (۱۳۹۲) زیبا شناسی اسلوب تأکید در سوره یوسف (ع)، فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی شماره ۵. در این پژوهش تنها سوره حضرت یوسف (ع) مورد بررسی قرار گرفته و روش کار به صورت موضوعی تأکید بوده و با کار بنده مشابهتی ندارد.
- محترم ترخاصی (۱۳۹۲) بلاغت تأکید و کاربرد آن در قصص انبیاء(علیهم السلام)، استاد راهنما، سید محمد امام زاده، دانشگاه فردوسی مشهد، (دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری)، شیوه کار براساس انتخاب آیه مربوط به هر یک از پیامبران بوده و ترتیب آیات طبق سوره قرآن همراه با ترجمه است.
- مصطفی لیبالی (۱۳۹۴) بررسی ساختار اسلوب حصر در گزیده‌ای از آیات قرآن کریم، استاد راهنما حسین یوسفی آملی، دانشگاه مازندران، (دانشکده علوم انسانی و اجتماعی)، در این تحقیق پژوهشگر اسلوب‌های حصر را مورد کاوش داده و براساس کاربرد آن به نگارش پرداخته است. با توجه به بررسی‌هایی که انجام شد و طبق نظر ایراندک و سیویلیکا این موضوع تا به حال کار نشده است، هرچند که موضوعات مشابه و مرتبط با این موضوع قبلاً کار شده است.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

## انواع تأکید و ذکر برخی از ابزارهای تأکید :

در این پژوهش سعی شده است تا تأکیدات آیات قرآنی در سوره حضرت یوسف (علیه السلام) با استفاده از تفاسیر مختلف و کتب های معتبر اسلامی مورد بررسی واقع شود و به شأن نزول آیات و کارکرد های آن در حد وسع پرداخته می شود. انتظار می رود که این پژوهش جهت استفاده دوست داران علم در حوزه علوم قرآنی مفید و مثمر ثمر واقع گردد. سیوطی در معنای تأکید در لغت بیان کرده است «توکید» مصدر «وكد» و تأکید مصدر «اكد» است که دو لغت به یک معنا به معنی محکم کردن است. در اصطلاح نحوی: تأکید یا توکید تابعی برای تثبیت و تقریر امری متبوع خود در کلام است و به دو گونه تقسیم شده است: تأکید لفظی و تأکید معنوی. تأکید لفظی این که واژه و خود لفظ در جمله عینا تکرار می شود. مانند این آیه شریفه که خداوند متعال می فرماید: «كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا» این گونه تأکید و تکرار لفظ به منظور «بیان و تحقق مفهوم» در زمانی است که احساس بی خبری و بی اطلاعی شنونده ذکر می شود. (شرتونی، ۱۳۷۳، ج ۴: ۳۴۶).

### تأکید لفظی:

تأکید لفظی؛ عبارت است از تکرار لفظ سابق؛ مانند: جاء زید زید. در این مثال «جاء» فعل، «زید» فاعل، «زید» دؤم تابع و تأکید برای «زید» اوّل است. تأکید لفظی نوعی از تأکید است که همان تکرار لفظ اول است. سیوطی می گوید: این تأکید در ضمیر متصل، حرف، مضاف، جمله، کلام، نکره، معرفه، اسم ظاهر، ضمیر و نیز تأکید اسم، فعل و حرف است. (سیوطی، ۱۳۲۷، ق ۲، ج ۲: ۱۲۵).

### تأکید معنوی:

زمانی که در جمله الفاظ مخصوصی چون «نفس، عین، کلا، کلتا، کل، جمیع و عامه» معنای جمله بر خلاف ظاهر امر رفع توهم نموده و جمله مؤکدی را بسازد. مانند: «جاءنی الامیر نفسه - خود امیر نزد من آمد». (ابن عقیل، ۱۳۸۶، ۲: ۱۹۴). محققین با شیوه های مختلف در کتاب های نحوی خود به توضیح و تفسیر تأکید معنوی پرداخته اند. عبارت است از تأکید به وسیله برخی الفاظ خاص، در آئین بلاغت: شرح مختصر المعانی، آمده است که تأکید معنوی گاهی برای دفع توهم تجوّر است یعنی متکلم در کلام خودش تأکید می آورد تا سامع توهم مجازگوئی در کلام متکلم نکند مانند «زارنی الوالی نفسه» متکلم می گوید «زارنی الوالی» سامع باورش نمیشود که خود والی زائر باشد و احتمال میدهد متکلم مجازگوئی نموده و بجای آنکه غلام والی بگوید والی گفته متکلم برای دفع این تجوّر کلمه «نفسه» را می آورد. (شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۳۲).

## إِنَّ وَأَنَّ:

یکی از کلماتی که در زبان عربی بیشتر استعمال شود حرف «إِنَّ» می باشد. این دو حروف از حروف مشبه بالفعل هستند و به اتفاق نحویان حرف تأکید به حساب می آیند. (ابن یعیش، بی تا، ج ۸: ۵۹). بنابراین در هر شرایطی که در مبتدا و خبر عمل کنند به جز تأکید، معنای دیگری را افاده نمی کنند. هریک از این ادوات در واقع جایگزین تکرار می شوند و باعث تقویت و تثبیت معنی می گردند. مثلا هر گاه بگوییم «إِنَّ الْعِلْمَ مفیدٌ» مثل این است که گفته باشیم «العلم مفید العلم مفید» با این تفاوت که عبارت اول موجز و مختصرتر است. (فاضلی، ۱۳۸۲: ۵۶۵).

### لای نفی جنس:

از جمله حروفی است که برای تأکید وضع شده است. «لا» نفی جنس که عامل بوده و عمل آن همانند عمل «إِنَّ»، (ولی از هفت جهت فرق دارد.) که نصب اسم و رفع خبر است و این عمل وقتی است که اراده گردیده شود نفی وقوع خبر برای جنس اسم آن به واسطه «لا» به طور قطعی و صریح بدون این که احتمال دیگری در عبارت داده شود، مانند «لا إله موجود إلا الله» به خلاف: «لا رجل فی الدار» که دو احتمال دارد: الف: اصلا مردی در خانه نباشد، که همان معنای «لا» نفی جنس است. ب: یک نفر مرد در خانه نباشد هر چند ممکن است دو مرد و بیشتر در خانه باشد. (صفایی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۸۳ و ۸۲).

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

## قد:

«قد» از حروفی است که هم بر سر فعل ماضی و هم بر سر فعل مضارع می‌آید، اما «اگر پیش از فعل ماضی بیاید، فعل را تأکید می‌کند و معادل آن در فارسی، ماضی نقلی است و همراهی قد با فعل ماضی می‌تواند بیان‌گر قانون یا حکمی قطعی باشد» (ناظمیان، ۱۳۸۱: ۸۴). اما صاحب النحو الوافی معتقد است: «قد معنای ماضی را به حال نزدیک می‌کند؛ به عبارت دیگر، هرگاه قد را بر سر ماضی آوردیم، آن فعل دیگر در معنای گذشته نزدیک است، نه گذشته دور» («حسن، ۱۹۶۶، ج ۱: ۵۱). اما آذرنوش معتقد است: «قد گاهی (و غالباً و شاید در زبان عربی معاصر) هیچ معنای خاصی ندارد و تنها آغاز و پیش‌درآمدی فصیح و ادبی است برای سخن». (آذرنوش، ۱۳۶۶، ج ۱: ۹۰). زیبایی‌شناسی تأکید به وسیله «قد» اختصاص به زبان عربی دارد.

## ضمیر شأن:

ضمیر شأن و قصه عبارت است از ضمیری که توسط جمله بعد از آن تفسیر می‌شود و برای تأکید و اهمیت مطلب مذکور در جمله بعد آورده می‌شود و به آن ضمیر حدیث و ضمیر امر نیز گفته می‌شود و هرگاه در جمله بعد از آن، مسندالیه یا مسند مذکر بود، این ضمیر نیز مذکر آورده می‌شود و به آن ضمیر شأن می‌گویند، مانند آیه شریفه: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» (الإخلاص: ۱) و هرگاه مسندالیه یا مسند در جمله بعد مؤنث بود. این ضمیر به صورت مؤنث آورده می‌شود و به آن ضمیر قصه می‌گویند، مانند آیه شریفه: «فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارِ الَّذِينَ كَفَرُوا» (الأنبياء: ۹۷). صفایی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۱۵۱).

## ادوات ندا:

ادوات ندا اساساً برای بیدار بودن شخص مخاطب و برانگیختن او جهت اهمیت دادن به موضوع کلام و همچنین برای جلب نظر مناداست. نیز می‌توان در اسلوب ندا به اعتنا و اهمیت شخص گوینده اشاره کرد. (سیبویه ج ۱ ص ۳۸۰). از این رو این ادوات در اسلوب ندایی شکلی از تأکید را محقق می‌سازد. چنان که حرف «یا» در ترکیب «یا ایها» برای تأکید و تنبیه است. (السیوطی، ج ۲، ص ۷۵-۸۲ و الزمخشری، ج ۱، ص: ۲۲۴).

## سین و سوف:

دخول حرف سین بر فعل مضارع «اعطی» و تخلص آن برای استقبال است. نحویین که درباره حرف سین می‌گویند: «حرف تنفیس»، این است که این حرف باعث توسیع زمانی فعل مضارع است زیرا که یک بعد معنوی از زمان فعل مضارع، زمان حال است که زمانی بسیار قلیل و کم است به طوری که فقط در زمان تکلم وجود دارد و به اعتبار آن فعل مضارع دارای زمانی ضیق و کم می‌شود و حرف سین زمان آن را توسعه داده و تبدیل به استقبال می‌کند. و واضح‌تر از این عبارت نحویین درباره حرف سین، قول زمخشری و غیر اوست که می‌گویند: حرف سین، حرف استقبال است، و از این جهت واضح‌تر است، زیرا که صریحاً معنای این حرف و عملکرد معنوی آن را بیان می‌کند. (صفایی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۶۱).

## ضمیر فصل:

در کتاب معنی الادیب آمده است: یکی دیگر از احکام مهم و کثیر الاستعمال که به همین جهت در باب چهارم این کتاب مورد بحث و تحقیق قرار می‌گیرد، احکام مربوط به ضمیر فصل یا ضمیر عماد است که مباحث و مطالب درباره این ضمیر، در چهار مطلب و مسأله مطرح می‌باشد: ۱-

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شروط ضمیر فصل ۲- فایده ضمیر فصل ۳- محل اعرابی ضمیر فصل ۴- احتمالات ترکیبیه ضمیر فصل. از جمله شروط آن : که دو شرط آن مربوط به کلمه قبل از ضمیر فصل و دو شرط مربوط به خود ضمیر فصل و دو شرط دیگر از آن کلمه بعد از ضمیر فصل است. اما آن دو شرطی که مربوط به کلمه قبل از ضمیر فصل است عبارتند از: باید آن کلمه‌ای که قبل از ضمیر فصل است، یا هم‌اکنون و در حال حاضر در عبارت مبتدا باشد یا اینکه سابقاً و در اصل مبتدا بوده و هم‌اکنون توسط ناسخی، نسخ گردیده شده باشد. از شروط دیگر؛ شرط اسم قبل از ضمیر فصل این است که آن اسم معرفه باشد. (صفایی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۱۵۷-۱۵۸).

## نون تأکید :

در معنی الادیب آمده است : یکی از حروف المبانی که درباره کلمات مبدو به آن در علم نحو بحث می‌شود، حرف نون است، و کلمات مبدو به حرف نون بر دو قسم است: ۱- نون مفرده: کلمه‌ای است که از یک حرف الفبا تشکیل شده و آن حرف نون است، مانند نون تأکید. ( صفایی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۳۲۸). ۲- نون مرکبه: کلمه‌ای است که از چند حرف الفبا تشکیل شده که اولین آنها حرف نون است، مانند «نعم». و چون رتبه مفردات مقدم از رتبه کلمات است، در آغاز از نون مفرده بحث می‌شود. (الأمین، ۱۹۲۷، ج ۱: ۲۱۹)

## لن :

زمخشری در کتاب الکشاف بیان کرده است که «لن» علاوه بر نفی فعل بعد، دلالت بر تأکید آن نفی نیز می‌کند و در کتاب انموذج نیز قائل است که «لن» دلالت بر تأکید نفی فعل بعد- تا ابد واقع نشدن فعل بعد- می‌کند. ( صفایی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۱۵۴).

## قصر و حصر :

قصر، در لغت به معنی نگه داشتن است. خدای برین فرمود: «حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ». (الرحمان: ۷۲) زنان سیمین تن که در خیمه‌ها هستند. و نگه داشته می‌شوند. و در اصطلاح، اختصاص دادن چیزی به چیز دیگر است با شیوه مخصوص. چیز اول «مقصور» و چیز دوم «مقصور علیه» است. برای قصر، راه‌ها و شیوه‌های فراوانی وجود دارد. (الرازی، ۱۳۲۸، ج ۸: ۳۷۳)

## حروف زائد:

محمد فاضلی در کتاب «شیوه‌های بیان قرآن کریم» آورده است که: حروف های زائد در معنای اصلی خود به کار نرفته اند بلکه فقط برای تأکید در جمله ذکر شده اند. این حروف ، معنایی را افاده می کنند که اگر از جمله ، حذف شوند ، این معنی به ذهن متبادر نمی شود. حروف زائدی که افاده تأکید می کنند عبارتند از «باء، ما، من، کاف» برای مثال در قرآن آمده است: «و ما تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ أَلَّا يَعْلَمَهَا اللَّهُ» (انعام: 59). و هیچ برگی نمی افتد مگر اینکه خدا آن را می‌داند. (فاضلی، ۱۳۸۲: ۵۷۱).

## مفعول مطلق تأکیدی:

مصدری که نوع فعل و یا عدد فعل را توضیح بدهد و یا فعل را تأکید کند، مفعول مطلق نامیده می‌شود. مفعول مطلق بر سه گونه است: عددی، نوعی، تأکیدی. عددی؛ ضَرْبَتُهُ ضَرْبَتَيْنِ. نوعی؛ ضَرْبَتُهُ ضَرْبًا شَدِيدًا. تأکیدی؛ ضَرْبَتُهُ ضَرْبًا. در این قسم باید همیشه مفرد باشد و تشبیه بسته

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian Culture, language and literature

نمی‌شود؛ چون در تأکید فعل بیش از مفرد نیازی نیست. و همچنین در مفعول مطلق نوعی؛ چون آن هم تأکیدی است که نوع را می‌رساند. عامل مفعول مطلق گاهی حذف می‌شود و این حذف بر دو نوع است: قیاسی و سماعی. سماعی در مثل: سَقِيًّا و رَعِيًّا، که سَقَاكَ اللَّهُ سَقِيًّا و رَعَاكَ رَعِيًّا بوده است. و قیاسی در موارد متعددی است: ۱- در جایی که مجمل باشد؛ مثل: فَسَدُ الْوِثَاقِ فَمَا مَنَّا بَعْدُ وَا مَا فِدَاءٌ كَمَا تَمُنُّونَ مَنَّا وَا مَا تَفْدُونَ فِدَاءً بوده است. ۲- در هنگامی که برای تأکید باشد؛ مثل: لَهُ عَلَيَّ الْفُورُهُمْ اعْتِرَافًا و زَيْدٌ قَائِمٌ حَقًّا، که یکی تأکید اعتراف سابق است و دیگری تأکید مضمون جمله. ۳- در هنگامی که به وسیله‌ی آلا یا انما محصور بشود؛ مثل: مَا أَنْتَ إِلَّا سَيْرَاءُ، که سائر سَيْرَاءٌ بوده است. ۴- آنجایی که بعد از مبتدایی تکرار شود؛ مثل: زَيْدٌ سَيْرَاءٌ سَيْرَاءٌ، که سائر (صفایی حائری، ج ۱، ۱۳۸۱، ص: ۲۲۶-۲۶۷). در این آیه شریفه: «وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَا لَا أَوْلَادُكُمْ بِآلَتِي تُقَرِّبُكُمْ عِندَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ ءَامَنَ وَا عَمِلَ صَالِحًا سَابِقًا ۳۷». طبرسی در جوامع الجوامع فرموده است: «زلفی و زلفه» مثل «قربى و قربه» مصدر است و به عنوان مصدر منصوب است و «تقریبکم» را تأکید می‌کند. (طبرسی، ۱۹۸۶، ج ۲: ۳۵۴). گاهی اسم منصوب، جانشین مفعول مطلق تأکیدی می‌شود. مثل این آیه «وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثُرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» (یونس: ۳۶) و این حذف منافات با تأکیدی ندارد و بسیاری مفعول مطلق نوعی را نیز نوعی مفید تأکید دانسته اند. چنانچه که صافی محمود بن عبد الرحیم در کتاب الجدول فی اعراب القرآن کلمه «ظنًا و شیئا» در آیه مذکور را مفعول مطلق، جانشین مصدر بیان کرده است.

## قرار دادن اسم ظاهر به جای ضمیر:

اسم ظاهر به جای ضمیر نهاده می‌شود تا بیشتر در ذهن جا بگیرد، مثل: «خیر النَّاسِ من نفع النَّاسِ». (حائری، ۱۳۸۱، ج ۴: ۳۵۴). این حدیث از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - است. بهترین مردم کسی است که به مردم سود برساند. در این مثال، به جای «نفعهم» از «نفع النَّاسِ» استفاده شده است تا بهتر در ذهن جا بیفتد. یا به جای ضمیر، اسم ظاهر می‌آید برای اینکه در جان شنونده، هراس و هیبت، القاء کند، مثل سخن خلیفه: «أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَأْمُرُ بِكَذَا» شاه مؤمنان به چنین کاری فرمان می‌دهد. یعنی من فرمان می‌دهم. در اینجا «امیر المؤمنین» به جای «أنا» به کار رفته است. یا برای جلب عطف، اسم ظاهر به جای ضمیر استعمال می‌شود. مانند: «أَيُّدُنْ لِي مَوْلَايَ أَنْ أَتَكَلَّمُ» آیا مولا به من اجازه می‌دهند تا سخن بگویم؟ در این مثال، «أَيُّدُنْ لِي مَوْلَايَ» به جای «أَتَأذُنْ» آمده است. (عرفان، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۴۰).

## اطناب:

إطناب، افزونی لفظ بر معناست برای فایده‌ای و یا ادا کردن معناست با عبارتی فراتر از حد معمول بلیغان متوسط، و این افزودن، برای فایده تقویت معنا و تأکید آن است. مانند: «قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَأَشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْئًا» (مریم: ۴) مجموعه این الفاظ، به معنی پیر شدم، هست. زمانی که آن افزونی بدون فایده باشد، «تطویل» نامیده می‌شود اگر آن زائده، مشخص نباشد و «حشو» نام می‌گیرد اگر مشخص باشد و سخن، به سبب آن تباه نشود. انگیزه‌های اطناب، فراوان است. برخی از آنها عبارت است از: استوار ساختن معنا- شرح و توضیح مقصود- تأکید- زدودن پندار غلط و چند پهلو بودن سخن - برانگیختن غیرت و... (عرفان، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۰۷).

## تذیل:

تذیل در لغت بمعنی آن است که چیزی را پائین تر از چیز دیگر قرار بدهند و در اصطلاح آوردن جمله دوم است بعد از اول. بطوریکه جمله دوم مشتمل بر معنی جمله اول باشد. و بخاطر تأکید انجام میشود. ضمناً باید دانست که فرق تکرار با تذیل در این است که در تکرار جمله دوم بالمطابقه عین اول است ولی در تذیل عین اول نیست بلکه مشتمل بر معنی اول است. و مراد از تأکید، تأکید بمعنی لغوی است یعنی تقویت نه تأکید بمعنی اصطلاحی. (امین شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۲۲).

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

## قسم:

بدرالدین زرکشی در کتاب البرهان فی علوم القرآن که «اسالیب القرآن و فنونه البلیغه» نام دارد، یکی از اسلوبهای تأکید را سوگند یاد می‌کند و در آغاز آن بیان می‌کند که «سوگند در نزد نحویان جمله‌ای است که با آن خبر مورد تأکید قرار می‌گیرد. حتی آنها گفتار خداوند متعال را سوگند شمرده‌اند؛ «وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ» (منافقون: ۱) گرچه در آن اخبار از گواهی دادن خداوند بر کذب منافقان است؛ اما چون برای تأکید خبر آمده، قسم نامیده شده است» (زرکشی، ۱۹۹۰، ج ۳: ۴۰). سوگند از دو جمله تشکیل می‌شود: جمله قسم و جمله جواب قسم. مقصود اصلی، جمله جواب است که جمله قسم برای تأکید آن آمده است و صاحب کتاب «هدی الفرقان فی علوم القرآن» در تعریف قسم آورده است: «قسم آن گونه که عالمان آن را شناسانده‌اند به معنای ایجاد ارتباط میان خودداری کردن نفس از چیزی یا اقدام بر آن است با امری که در نزد سوگند یاد کننده بزرگ است» (غازی، ۱۹۹۶، ج ۴: ۲۲۷).

بسم الله الرحمن الرحيم

- ۱) الرَّ تَلْكَ عَايَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ. المبین: تأکید اطناب از طریق صفت برای توضیح اسم معرفه آمده است.
- ۲) إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ. تأکید با جمله اسمیه ان: از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید است. عربیاً: تأکید اطناب با صفت برای اختصاص به توصیف نکره و رفع ابهام است. لعل: از حروف مشبیه بالفعل و تأکید در ترجی است.
- ۳) نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَ إِن كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ. هذِهِ: ها حرف تنبیه و تأکید است. القرآن: بدل از اسم اشاره یا عطف بیان است.
- ۴) إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ السَّمَاءَ وَ الْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ. برخی از مفسران متقدند که فعل «رایت» دارای بلاغت تکرار است (مانند ابن عاشور و...) که به منظور تأکید برای دومین بار به مطلب اول ذکر شده است. گویی که حضرت یعقوب علیه السلام از حضرت یوسف علیه السلام می‌خواهد با دقت و جزئیات آن روایا را تعریف و بیان کند. اما نویسنده «محاسن التأویل» جمله «رایت» را استینافیه برای بیان حال کسانی که از آنها را در خواب دید می‌داند نه تکرار و تأکید و برای سخن خود آیه ۳۵ سوره مومنون را شاهد می‌آورد «أ يَعدُكُمْ أَنْكُمْ... مخرجون». (قاسمی، ج ۶: ۱۴۶). نظر نخست قابل قبول و درست تر به نظر می‌رسد چون که اگر هدف از تکرار بیان حال بود نیاز به تکرار فعل نبود و در ادامه بدون تکرار فعل توصیف می‌شد. یا: حرف ندا و تأکید و کاربردش جهت یادآوری و برانگیختن مخاطب است. ان: از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید است. رأیتهم: فعل و فاعل و مفعول به، جمله فعلیه موکد برای ما قبل اش است.

- ۵) قَالَ يَا بَنِيَّ إِنِّي أَخُوتِكُمْ فَاصْبِرُوا وَ لَا تُكْفِرُوا بِلِقَاءِ رَبِّكُمُ الَّذِي كَفَرْتُمْ بِعَهْدِكُمْ إِذْ قُلْتُمْ إِنَّا نَحْنُ الْمَرْسُوفُونَ. این آیه هشدار حضرت یعقوب علیه السلام را به پسرش را می‌دهد و او را از خواب برادران خود از این خواب بر حذر می‌دارد و این خود نوعی آینده نگری است. بخاطر اهمیت موضوع حضرت یعقوب علیه السلام سخن خود را با دو لفظ تأکید می‌کند. از یک طرف فعل «یکیدوا» در اصل متعدی است اما لام در «لک» برای تقویت این معنا آمده است. و از طرفی دیگر مصدر «کیدا» که از ریشه فعل است برای این منظور ذکر شده است و منظور از کید، همان برانگیخته شدن حسادت آنان است. (بیضاوی، ج ۳: ۱۵۵). یا: حرف ندا و تأکید و کاربردش جهت یادآوری و برانگیختن مخاطب است. کیداً: مفعول مطلق تأکیدی و منصوب برای فعل است. ان: از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید است. مبین: تأکید اطناب از طریق صفت در تخصیص به اسم نکره است. جمله «ان...» تأکید اطناب از طریق تعلیل است.
- ۶) وَ كَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَجُلٌ وَ يَعْلَمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَ يَتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِكَ بِغُفْوٍ كَمَا أَنْتَ مِنَ قَبْلِ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ. ابراهیم: عطف بیان یا بدل از ابویک برای رفع ابهام است. ان: از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید است. جمله «جمله «ان ربك...» تأکید اطناب از طریق تعلیل است.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

(۷) لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِّلسَّالِمِينَ. لقد : لام ابتدا یا لام قسم برای قسم مقدره و تأکید است. قد : حرف تحقیق بر سر فعل ماضی وارد شده فعل را تأکید می کند و بیانگر قانون یا حکم قطعی است.

(۸) إِذْ قَالُوا يَا يُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِمَّا نَحْنُ مُغْتَبُونَ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ. این آیه به آشکار ساختن گفتگوی برادران حضرت یوسف علیه السلام مربوط می باشد. گویی این احساس نسبت به او بعد از شنیدن خواب در دل برادرانش ایجاد شده و نیز ممکن است ابزار علاقه مندی بیشتر از طرف پدر نسبت به حضرت یوسف علیه السلام بعد از شنیدن خواب باشد. کلام با «لام» ابتدا که مفید تأکید به منظور تحقق خبر است و محبت شدید پدر نسبت به حضرت یوسف و بنیامین علیهما السلام را می رساند، آغاز شده است. (رازی، ج ۱۸، ص: ۴۲۳). این لفظ مضمون جمله را تثبیت کرده و از آن محبت شدید بی چون و چرای حضرت یعقوب علیه السلام نسبت به دو برابر اراده شده است. یوسف: لام ابتدا است. ان: از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید است. لفی: لام مزحلقة و تأکید است. مبین: تأکید اطناب از طریق صفت در تخصیص به اسم نکره است.

(۱۱- ۱۲) قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ. -- أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعْ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَفِيظُونَ. این آیه بیانگر مقدمه مکر و خدعه برادران حضرت یوسف نسبت به اوست که با اصرار سعی می کنند حضرت یوسف علیه السلام را از پدر دور کنند و اظهار به دوست داشتن او نشان می دهند تا رضایت پدر را جلب کنند. جمله «وَأَنَا لَهُ لَنَاصِحُونَ» و «وَأَنَا لَهُ لَحَفِيظُونَ» در محل حال در جمله قرار گرفته اند. برادران سخن خود را با چند روش «ان»، «لام» و جمله اسمیه تأکید کرده اند. (طباطبایی، ج ۱۱، ص: ۹۸). منظور از این تأکیدات در این آیه برای رفع شک و تردید از دل پدر نسبت به محافظ و ناصح بودن خودشان است. و همچنین برای مقدم شدن «له» در «لناصحون» و «لحافظون» دو احتمال بیان شده است یکی برای رعایت فاصله و تلاش برای جایگاه بلند حضرت یوسف علیه السلام در ظاهر قضیه و دیگری اینکه برای حصر ادعای خود یعنی آنقدر به برادر خود توجه دارند که جز او خیرخواه و حافظ هیچ کس نیستند. (ابن عاشور، ج ۱۲، ص: ۳۰). یا: حرف ندا و تأکید و کاربردش جهت یادآوری و برانگیختن مخاطب است. ان: از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید است. لناصحون: لام مزحلقة و تأکید است. ان: از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید است. لحافظون: لام مزحلقة یا ابتدا و تأکید است.

(۱۳) قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنْ تَضَاهُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ. حضرت یعقوب علیه السلام در برابر اصرار فرزندان خود با دو کلمه تأکید «ان» و «لام» در سخن خود پاسخ منفی داده تا دست از پافشاری بردارند. و در ادامه بخاطر اصرار آنها به این امر، جمله «وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ» را بیان می کند. (ابن عاشور، ج ۱۲، ص: ۳۱). ان: از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید است. لیحزُنُنِي: لام تأکید یا مزحلقة برای تأکید بر مضمون جمله است.

(۲۳) وَرَأَوْنَهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ. انه: از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید و تکرار آن در ادامه آیه برای تأکید موکد است. ها: ضمیر شأن و تأکید است. جمله «إِنَّهُ رَبِّي...» تأکید اطناب از طریق تعلیل است.

(۲۴) وَ لَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَ هَمَّ بِهَا لَوْ لَا أَنْ رَعَا بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ. این آیه در اشاره به به چگونگی نجات حضرت یوسف علیه السلام از مهلکه هولناک است و منظور از مانع شدن فحشاء از حضرت یوسف علیه السلام نجات وی از آنچه همسر عزیز مصر می خواست. جمله با «لام» قسم و حرف تحقیق «قد» آغاز شده، آوردن این گونه از اسلوب به دلیل تصمیم جدی همسر عزیز مصر است و جمله «و هَمَّ بِهَا لَوْ .. ربه» عطف بر کل جمله اول است یعنی معطوف به جواب قسم نیست و بر سر جمله معطوف «لقد» داخل نمی شود چون در این صورت قسم بر تصمیم حضرت یوسف علیه السلام نیز اطلاق می شد در حالی که مراد آیه این مفهوم را در بر ندارد. و علت دیگر اینکه جمله شرطیه «لولا» مترادف این جمله ذکر شده، مخصوص حال حضرت یوسف علیه السلام است و حال همسر عزیز مصر را توصیف نمی کند در نتیجه جمله دوم «و هَمَّ بِهَا» مستقل از معطوف علیه است چون شرط به حال مسند الیه اختصاص دارد که همان حضرت یوسف علیه السلام می باشد. (ابن عاشور، ج ۱۲، ص: ۴۷). لقد : لام ابتدا یا لام قسم برای قسم مقدره و تأکید است. قد : حرف تحقیق بر سر فعل ماضی وارد شده فعل را تأکید می کند و بیانگر قانون یا حکم قطعی است. انه: از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید و ها: ضمیر شأن و تأکید است. المخلصين: تأکید اطناب با صفت برای اختصاص و رفع ابهام است.



# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- (۲۵) وَ اسْتَبَقَا الْبَابَ وَ قَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَ أَلْفَيْمَا سَيِّدَهَا لَدَا الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ. لا + الا: ( آمدن حرف نفی همراه با حرف استثناء و حصر برای مفید تأکید است. الیم: صفت برای عذاب ، تخصیص به اسم نکره آمده است.
- (۲۸) فَلَمَّا رَعَى قَمِيصَهُ قَدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكِنَّ إِنَّ كَيْدَكِنَّ عَظِيمٌ. أنه: از حروف مشبیهه بالفعل ، نصب و تأکید و ها: ضمیر شأن و تأکید است. جمله « إِنَّ كَيْدَكِنَّ... » جمله موکد برای ما قبل اش است. جمله « إِنَّ كَيْدَكِنَّ... » تأکید اطناب از طریق تعلیل است. نکته: نون در کن جمع اناث بوده و نون تأکید ناست.
- (۲۹) يُوسُفُ أَعْرَضَ عَنْ هَذَا وَ اسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ. هذا: ها حرف تنبیه و تأکید است. ان: از حروف مشبیهه بالفعل ، نصب و تأکید است. جمله « إِنَّكِ كُنْتِ... » تأکید اطناب از طریق تعلیل است.
- (۳۰) وَ قَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتْنَهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ. قد: حرف تحقیق بر سر فعل ماضی وارد شده فعل را تأکید می کند و بیانگر قانون یا حکم قطعی است. ان: از حروف مشبیهه بالفعل ، نصب و تأکید است. لَنَرَاهَا: لام تأکید یا مزحلقة است. مبین: صفت و مجرور ضلال برای تخصیص به اسم نکره آمده است. جمله « قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا... » تأکید اطناب از طریق تعلیل است.
- (۳۱) فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَ أَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً وَ تَتَّكَأْنَ كُلُّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَ قَالَتْ أَخْرِجْ عَلَيهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيهِنَّ وَ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ. جمله « حاشا لله... » تأکید اطناب به وسیله اعتراضیه و دعایی است. هذا: ها حرف تنبیه و تأکید و ذا: اسم اشاره است. ما - (ان) + الا: ( آمدن حرف نفی همراه با حرف استثناء و حصر برای مفید تأکید است. کریم: تأکید اطناب با صفت برای اختصاص به توصیف نکره و رفع ابهام است.
- (۳۲) قَالَتْ فَمَا لِكِنَّ الَّذِي لُمْتُنِّي فِيهِ وَ لَقَدْ رَاودْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَ لَنْ لَّمْ يَفْعَلْ مَا ءَامُرُهُ لِيُسْجَنَ وَ لِيَكُونَ مِنَ الصَّغِيرِينَ. لقد: لام ابتدا یا لام قسم برای قسم مقدمه و تأکید است. قد: حرف تحقیق بر سر فعل ماضی وارد شده فعل را تأکید می کند و بیانگر قانون یا حکم قطعی است. لئن: لام قسم و تأکید در جواب قسم است. لم: حرف نفی در تأکید نفی است. لیسجنن: لام قسم و تأکید و نون تأکید ثقیله است. لیکونن: لام قسم و تأکید و نون تأکید خفیفه است.
- (۳۳) قَالَ رَبِّ السَّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَ إِنْ تَصْرَفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَضْبُ إِلَيْهِنَّ وَ أُنَّى مِنَ الْجَاهِلِينَ. جمله: « رب... » تأکید اطناب به وسیله اعتراضیه و دعایی است.
- (۳۴) فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. ان: از حروف مشبیهه بالفعل ، نصب و تأکید است. هو: ضمیر فصل «ال» «السَّمِيعُ» افاده تخصیص می کند. و ضمیر فصل، آن را مؤکد می سازد.
- (۳۵) ثُمَّ يَدَا لَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لِيَسْجُنْتَهُ حَتَّىٰ حِينٍ. لیسجنن: لام قسم و تأکید و نون تأکید ثقیله است.
- (۳۶) وَ دَخَلَ مَعَهُ السَّجْنَ قَتِيَانِ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرْتِي أُعْصِرُ خَمْرًا وَ قَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرْتِي أُحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبْنَأُ بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرْتَكُ مِنَ الْمُحْسِنِينَ. ان: از حروف مشبیهه بالفعل و نصب و تأکید های مکرر با این حرف در این آیه است. جمله « إِنَّا نَرَاكَ... » تأکید اطناب از طریق تعلیل است.
- (۳۷) قَالَ لَا يَا تَيْكَمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَأْتُكَمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَالِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ. لا + الا: ( آمدن حرف نفی همراه با حرف استثناء و حصر برای مفید تأکید است. ان: از حروف مشبیهه بالفعل ، نصب و تأکید است. هو: ضمیر فصل و موکد برای ضمیر قبلی است.
- (۳۸) وَ اتَّبَعَتْ مَلَأَةً إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَالِكُمْ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَ عَلَى النَّاسِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ. ابراهیم: بدل برای آباء ی ، برای توضیح و ابهام مطبوعش آمده است. من شیء: من حرف جر زائده تأکیدی است. لکن: در تأکید استدراک از حروف مشبیهه بالفعل است.
- (۳۹) يَا صَاحِبِي السَّجْنُ ءَأَرْتَابٌ مُّتَّفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمْ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ. یا: حرف ندا و تأکید و کاربردش در اینجا جهت آگاه ساختن مخاطب به اهمیت موضوع است. متفرقون: تأکید اطناب با صفت برای اختصاص به توصیف نکره و رفع ابهام است. الواحد القهار: هر دو کلمه، تأکید اطناب با صفت برای تخصیص به اسم لفظ جلاله و مدح و ثنا است.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

(۴۰) مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِنَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَءَابَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَنِ إِنَّ الْخُكْمَ لِلَّهِ آمَرَ آتَا تَعْبُدُوا إِنَّا إِيَّاهُ ذَالِكِ الدِّينِ الْقِيمِ وَ نَاكِنٌ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ. ما + الا: ( آمدن حرف نفی همراه با حرف استثناء و حصر برای مفید تأکید است. انتم؛ ضمیر منفصل تأکید برای اتصال فاعل (تاء در فعل سَمَّيْتُمُوهَا) و فعل در محل رفع است. من سلطان: من حرف جر زائده تأکیدی است. ان + الا: ( آمدن حرف نفی همراه با حرف استثناء و حصر برای مفید تأکید است. لکن: در تأکید استدراک از حروف مشبیه بالفعل است.

(۴۱) يَا صَاحِبِي السَّجْنِ أَمَا أَحَدُكُمْ مَا فَيَسْقِي رَبَّهُ حَمْرًا وَ أَمَا الْآخَرُ فَيُضَلُّبُ قَتَاكُلُ الطَّيْرِ مِنْ رَأْسِهِ فَضَى الْأَمْرُ الْأَذَى فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ. یا: حرف ندا و تأکید و کاربردش در اینجا جهت آگاه ساخت و برانگیختن مخاطب به اهمیت موضوع است. أَمَا: حرف تفصیل و شرط که جمله اسمیه را مورد تأکید قرار داده و در ادامه این آیه تکرار شده است.

(۴۲) وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَ سَبْعٌ سُنْبُلَاتٍ خَضْرٍ وَ آخَرَ يَابَسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُءْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ. ان: از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید است. یا: حرف ندا و تأکید و کاربردش در اینجا جهت آگاه ساخت و برانگیختن مخاطب به اهمیت موضوع است. سمان و عجاف، خضر و یابسات: تأکید اطناب با صفت برای اختصاص به توصیف نکره و رفع ابهام است. المأ: عطف بیان یا بدل که برای توضیح و ابهام مطبوعش آمده است.

(۴۳) يُوسُفُ أَيُّهَا الصَّادِقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَ سَبْعٌ سُنْبُلَاتٍ خَضْرٍ وَ آخَرَ يَابَسَاتٍ لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ. الصديق: عطف بیان یا بدل که برای توضیح و ابهام مطبوعش آمده است. جمله « سبع بقرات ... یابسات » تکراری بوده و در آیه ۴۳ مورد بررسی قرار گرفت. لعلی: لعل و تکرار آن در این آیه از حروف حرف مشبیه بالفعل بوده و در تأکید ترجی است. جمله «لعلهم يعلمون» تأکید اطناب از طریق تعلیل است.

(۴۴) قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِنَّا قَلِيلًا مِمَّا تَاكُلُونَ. دابا: حال موکد یا مفعول مطلق برای فعل محذوف است.

(۴۵) ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَالِكِ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِنَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِنُونَ. شداد: تأکید اطناب با صفت برای اختصاص به توصیف نکره و رفع ابهام است.

(۴۶) وَقَالَ الْمَلِكُ أَتُؤْتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَيَّ رِبْكَ فَسَلْهُ مَا نَالَ النَّسْوَةَ أَنَا تِي قَطَعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنْ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ. جاءه: ه مفعول به مقدم و تأکید، با کاربرد درانگیزه‌ها، رعایت هماهنگی و همسانی سرآمد (سج و فاصله) آیه‌هاست. ان: از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید است.

(۴۷) قَالَ مَا خَطْبُكَ إِذْ رَاوَدْتَنِّي يوسُفُ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ إِنَّ الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَ إِنَّهُ لِمِنَ الصَّادِقِينَ. ان: از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید است. لمن: لام مزحلقة و تأکید است.

(۴۸) ذَالِكِ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْخَاطِئِينَ. ان: از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید، تکرار آن در این آیه دلیل بر تأکید موکد دارد.

(۴۹) وَ مَا أُرِي نَفْسِي إِنْ النَّفْسُ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِنَّ مَا رَحِمَ رَبِّي إِنْ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ. ان: از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید و تکرار آن در ادامه آیه برای تأکید موکد است. لأمارة: لام مزحلقة یا ابتدا برای تأکید است.

(۵۰) وَ لَأَجْرُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ. لأجر: لام: لام ابتدا و تأکید است.

(۵۱) وَ لَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ قَالَ أَتُؤْنِي بِأَخٍ لَكُمْ مِّنْ أَيْكُمُ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أَوْفِي الْكَيْلِ وَ أَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ. ان: از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید است. ألا: حرف استفاء (عرض)، تنبيه و تأکید است.

(۵۲) فَإِنْ لَمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَ لَا تَقْرَبُون. لا: لای نفی جنس و تأکید است.

(۵۳) قَالُوا سَرَاوُدُ عَنْهُ آبَاهُ وَ إِنَّا لَفَاعِلُونَ. سراد: سین حرف استقبال است و باعث توسیع زمانی فعل مضارع شده است. أنا لفاعلون: ان؛ از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید است. و لام، لام مزحلقة و تأکید بوده و این جمله در محل نصب معطوف بر مقول القول برای تأکید است.

(۵۴) وَقَالَ لِيَتَيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَغْرِفُونَهَا إِذَا انْقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ. ان: از حروف حرف مشبیه بالفعل بوده و تکرار آن در ادامه آیه در جهت تأکید ترجی است. جمله «لعلهم يعرفونها...» تأکید اطناب از طریق تعلیل است.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

(۶۳) فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ أَيْمِهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مَنَعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا أَخَانَا نَكْتُلْ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ. یا : حرف ندا و تأکید و کاربردش در اینجا جهت آگاه ساختن و برانگیختن مخاطب به اهمیت موضوع است. انا لحافظون : ان؛ از حروف مشبیه بالفعل ، نصب و تأکید است و لام ، لام مزحلقة و تأکید است.

(۶۵) وَ لَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِصَعْتِهِمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبُئِي هَٰذِهِ بِصَعْتِنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَ نَمِيرُ أَهْلَنَا وَ نَحْفَظُ أَخَانَا وَ نَزَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ذَٰلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ. یا : حرف ندا و تأکید و کاربردش در اینجا جهت آگاه ساختن مخاطب به اهمیت موضوع است. هذا: ها حرف تنبیه و تأکید و ذا ؛ اسم اشاره است. بضاعتنا : عطف بیان یا بدل که برای توضیح و ابهام مطبوعش آمده است. یسیر: تأکید اطناب با صفت برای اختصاص به توصیف نکره و رفع ابهام است.

(۶۶) قَالَ لَنْ أَرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ. لن: حرف نصب و استقبال در تأکید نفی است. لتأتُننِي: لام، لام قسم و تأکید ؛ نون مشدد ، نون تأکید م باشد.

(۶۷) وَ قَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحِدٍ وَ ادْخُلُوا مِن أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ وَ مَا أَعْنِي عَنْكُمْ مِّنَ اللَّهِ مِن شَيْءٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ عَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ. یا : حرف ندا و تأکید و کاربردش جهت آگاه ساختن مخاطب به اهمیت موضوع است. واحد و متفرقه : هر دو کلمه تأکید اطناب با صفت برای اختصاص به توصیف نکره و رفع ابهام است. من شیء: من حرف جر زائده و صله تأکیدی است. ان + الا: آمدن حرف نفی همراه با حرف استثناء و حصر برای مفید تأکید است.

(۶۸) وَ لَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةٌ فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَيْهَا وَ إِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ. ما + الا: آمدن حرف نفی همراه با حرف استثناء و حصر برای مفید تأکید است. من شیء: من حرف جر زائده و صله تأکیدی است. ان؛ از حروف مشبیه بالفعل ، نصب و تأکید است. لذو: لام مزحلقة تأکیدی است. لکن : در تأکید استدراک از حروف مشبیه بالفعل است.

(۷۰) فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رَحْلِ أُخِيهِ ثُمَّ أَدْنَىٰ أُمَّةً مِّنَ الْمُؤَدَّةِ أَيْتَهَا الْعَيْرُ إِيَّكُمْ لَسَارِقُونَ. العير: عطف بیان یا بدل که برای توضیح و ابهام مطبوعش آمده است. ها در آیتها: های تنبیه در جهت تأکید آمده است. ان؛ از حروف مشبیه بالفعل ، نصب و تأکید است. لسارقون: لام مزحلقة تأکیدی است. جمله « أَيْتَهَا الْعَيْرُ ... » تأکید اطناب از طرق جمله اعتراضیه است.

(۷۱) قَالُوا نَفَقْدُ صَوَاعِ الْمَلِكِ وَ لِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَ إِنَّا بِهِ رَعِيمٌ. لمن: جارومجرور به خبر مقدم محذوف و تأکید است.

(۷۴) قَالُوا فَمَا جَزَؤُهُ إِنْ كُنْتُمْ كَادِبِينَ. فما: مقدم شدن جواب شرط مقدر جهت تأکید است.

(۷۶) قَبِدَا يَا وَعِيَتِهِمْ قَبِلْ وَعَاءَ أُخِيهِ ثُمَّ اسْتَخَرَجَهَا مِنْ وَعَاءِ أُخِيهِ كَذَٰلِكَ كَيْدًا لِّيُوسَفَ مَا كَانَ يَتَّخِذُ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِذًا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ تَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَأٍ وَ فَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ. لِيَتَّخِذَ: لام؛ لام جهود و تأکید است. ما + الا: آمدن حرف نفی همراه با حرف استثناء و حصر برای مفید تأکید است. فوق: ظرف مکان بوده و متعلق به خبر مقدم و تأکید از نوع روش مقدم شدن آنچه باید موخر باشد جزوه روش تأکید از راه بلاغی است. جمله «ما كان» تأکید اطناب از طریق تعلیل است.

(۷۷) قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَ لَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرٌّ مَّكَانًا وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ. قد: حرف تحقیق بر سر فعل ماضی وارد شده فعل را تأکید می کند و بیانگر قانون یا حکم قطعی است. لن: حرف نصب و جزم در تأکید نفی است. أسرها: ها؛ تأکید با مفعول به مقدم با هدف بازگرداندن مخاطب از خطا به درستی است.

(۷۸) قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَخَانَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرُوكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ. یا ایها : حرف ندا و تأکید و کاربردش جهت آگاه ساختن و برانگیختن مخاطب به اهمیت موضوع است. ها ؛ حرف تنبیه و تأکید است. جمله «یا ایها العزیز ..» تأکید اطناب با جمله اعتراضیه است. العزیز: عطف بیان یا بدل که برای توضیح و ابهام مطبوعش آمده است. ان؛ از حروف مشبیه بالفعل ، نصب و تأکید است. و در ادامه آیه تکرار شده است. له : ها؛ جارومجرور به خبر مقدم محذوف و تأکید است. کلمه «شَيْخًا» و «كَبِيرًا»: تأکید اطناب با صفت برای اختصاص به توصیف نکره و رفع ابهام است.

(۸۰) فَلَمَّا اسْتَيْسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ وَ مِنْ قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّىٰ يَأْتِيَ لِي أَوْ بِحُكْمِ اللَّهِ لِي وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ. ان؛ از حروف مشبیه بالفعل ، نصب و تأکید است. قد: حرف تحقیق بر سر فعل ماضی

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

وارد شده فعل را تأکید می کند و بیانگر قانون یا حکم قطعی است. لم و لن : حرف نصب و جزم در تأکید نفی است. ما: حرف جر زائده تأکیدی است.

(۸۱) اَرْجِعُوا إِلَىٰ أَيْكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمْنَا وَمَا كُنَّا لِنَلْبِثَ حَافِظِينَ. یا: حرف ندا و تأکید و کاربردش جهت آگاه ساخت و برانگیختن مخاطب به اهمیت موضوع است. جمله «یا ابانا...» تأکید اطناب به وسیله اعتراضیه است. ان: از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید است. ما + الا: (آمدن حرف نفی همراه با حرف استثناء و حصر برای مفید تأکید است.

(۸۲) وَ سَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعَيْرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ. الَّتِي: تأکید اطناب از طریق صفت برای توضیح اسم معرفه (العیر) آمده است. جمله «ان..»: از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید است. و ضمیر «نا» معنی تأکید بر ماقبل خود را دارد. جمله اسمیه است. لصادقون: لام؛ لام مزحلقة و تأکید است.

(۸۳) قَالَ بَلْ سَوَّكْتَ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ. جمیل: تأکید اطناب با صفت برای اختصاص به توصیف نکره و رفع ابهام است. ان: از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید و جمله اسمیه است. هو: ضمیر فصل، تأکید قرار دادن بین مسند و مسندالیه و محلی از اعراب ندارد.

(۸۴) وَ تَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا سَفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ وَ ائْتِصَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْعُرْنِ فَهُوَ كَظِيمٍ. یا: حرف ندا و تأکید و کاربردش جهت افسوس خوردن، دردمندی و برانگیختن مخاطب به اهمیت موضوع است.

(۸۵) قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بَثِّي وَ حُزْنِي إِلَىٰ اللَّهِ وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ. إِنَّمَا: ان + مای کافه از ادات حصر خبر را بر مبتدا محصور می کند و تأکید با جمله اسمیه است. «بثی و حزنی»: تأکید اطناب از طریق حروف عطف با دو کلمه مترداف و هم معنی است.

(۸۶) يَا بَنِي آدْهَبُوا فَتَحَسَّبُوا مِنْ يُوسُفَ وَ أَخِيهِ وَ لَا تَأْسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْسُ مِنَ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ. یا: حرف ندا و تأکید و کاربردش جهت آگاه ساخت و برانگیختن مخاطب به اهمیت موضوع است. انه: از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید و (ها)؛ ضمیر شان، تأکید با تکرار و جمله اسمیه است. الکافرون: تأکید اطناب از طریق صفت برای توضیح اسم معرفه (القوم) آمده است. جمله «إنه..» تأکید با جمله اسمیه و تأکید با جمله تعلیل است.

(۸۷) فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسْنَا وَ أَهْلْنَا الصُّرَّ وَ جِئْنَا بِبِضْعَةٍ مُّزْجَنَةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ. یا: حرف ندا و تأکید و کاربردش جهت آگاه ساختن و برانگیختن مخاطب به اهمیت موضوع است. ها: حرف تنبیه و مفید تأکید است. العزیز: عطف بیان یا بدل که برای توضیح و ابهام مطبوعش آمده است. مُّزْجَنَةٍ: تأکید اطناب با صفت برای اختصاص به توصیف نکره و رفع ابهام است. ان: از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید و جمله اسمیه است.

(۸۸) قَالُوا أَعْثَرَ لَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَ هَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَن يَتَّقِ وَ يَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ. ان (ه): از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید و تکرار همین لفظ در این آیه نشان از تأکید فراوان دارد. (ه)؛ ضمیر شان و تأکید است. لانت: لام، لام تأکید یا مزحلقة و ابتدا است. هذا: ها حرف تنبیه و تأکید و ذا؛ اسم اشاره است. قد: حرف تحقیق بر سر فعل ماضی وارد شده فعل را تأکید می کند و بیانگر قانون یا حکم قطعی است.

(۸۹) قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ ءَاثَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَ إِن كُنَّا لَخَطِئِينَ. لقد: لام: لام قسم و تأکید، قد: حرف تحقیق بر سر فعل ماضی وارد شده فعل را تأکید می کند و بیانگر قانون یا حکم قطعی است. ءَاثَرَكَ: تأکید با مفعول به مقدم با هدف بازگرداندن مخاطب از خطا به درستی است. ان: مخففه ثقیله از ان، نصب و تأکید و اسم اش ضمیر شأن است. لخطین: لام مزحلقة و تأکید است.

(۹۲) قَالَ لَا تَثْرِبَ عَلَيْنَا يَوْمَ يُبْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. لا تثریب: لا؛ لای نفی جنس و تأکید است.

(۹۳) اِذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالْقَوَّةَ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بِصِيرًا وَ ائْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ. هذا: های تنبیه و ذا اسم اشاره، در محل جر عطف بیان یا بدل از قمیصی جهت تأکید است. أجمعین: تأکیدی معنوی و مجرور با بایء برای اهل است.

(۹۴) وَ لَمَّا فَصَلَ الْعَيْرَ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْ لَا أَن فُتِنْتُمْ. ان: از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید و جمله اسمیه است. لأجد: لام؛ لام مزحلقة و تأکیدی است.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- (۹۵) قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ. ان: از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید و جمله اسمیه است. لفی: لام؛ لام مزحلقة و تأکیدی است. القديم: تأکید اطناب با صفت برای رفع ابهام است.
- (۹۶) فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْفَهُ عَلَى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ. ان: صله برای تأکید است. لم: حرف نصب و جزم در تأکید نفی است. ان: از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید و جمله اسمیه است.
- (۹۷) قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ. يا: حرف ندا و تأکید و کاربردش جهت آگاه ساختن و برانگیختن مخاطب به اهمیت موضوع است. ان: از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید و جمله اسمیه، تأکید اطناب با تعلیل است.
- (۹۸) قَالَ سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. سوف: حرف استقبال و تأکید که باعث توسیع زمانی فعل مضارع و ثبوت آن شده است. ان: از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید و جمله اسمیه، تأکید اطناب با تعلیل است. هو: ضمیر فصل و تأکید است.
- (۹۹) فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ ءَاوَىٰ إِلَيْهِ أَبُوهُ وَ قَالَ ادْخُلُوا مَعِيَ إِن شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ. جمله «ان شاء الله»: تأکید اطناب با جمله اعتراضیه و محلی از اعراب ندارد.
- (۱۰۰) وَ رَفَعَ أَبُوهُ عَلَى الْعَرْشِ وَ حَرُّوا لَهُ سُجْدًا وَ قَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَ قَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَ جَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَ بَيْنَ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ. يا: حرف ندا و تأکید و کاربردش جهت آگاه ساختن و برانگیختن مخاطب به اهمیت موضوع است. هذا: های تنبیه و تأکید، ذا؛ اسم اشاره است. قد: حرف تحقیق بر سر فعل ماضی وارد شده فعل را تأکید می کند و بیانگر قانون یا حکم قطعی است. و تکرار در بار دوم در آیه مشهود است. در جمله «من بعد ...» خبر برای مبتدای محذوف، در محل نصب جمله اسمیه و تأکیدی بر مضمون جمله قبلی است. ان (ه): از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید و تکرار همین لفظ در این آیه نشان از تأکید فراوان دارد. هو: ضمیر فصل و تأکید است.
- (۱۰۱) رَبِّ قَدْ ءَاتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَ عَلَّمْتَنِي مِمَّا تَأْوِيلُ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ أَنْتَ وَ لِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ تَوْفَئِي مُسْلِمًا وَ أَنجَيْتَنِي مِنَ الصَّالِحِينَ. قد: حرف تحقیق بر سر فعل ماضی وارد شده فعل را تأکید می کند و بیانگر قانون یا حکم قطعی است. فاطر: صفت، بدل یا عطف بیان، برای توضیح بعد از ابهام آمده و فایده اش بیان و تأکید است.
- (۱۰۳) وَ مَا أَكْثَرَ النَّاسِ وَ لَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ. جمله «حرصت ..»: تأکید اطناب با جمله اعتراضیه و محلی از اعراب ندارد. بمومنین: ب حرف جر زائده تأکید است.
- (۱۰۴) وَ مَا تَسْلُمُ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ. ان + الا: ( آمدن حرف نفی همراه با حرف استثناء و حصر برای مفید تأکید است. جمله «ان هو ...» تأکید اطناب به وسیله تعلیل است.
- (۱۰۷) أَمْ آمَنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ. جمله «هم لا ...» تأکید اطناب با جمله اسمیه است.
- (۱۰۸) قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنِي وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ. هذا: های تنبیه و تأکید، ذا اسم اشاره است. أنا: أنا (اولی) تأکید برای فاعل در «ادعوا» در حالت رفع است.
- (۱۰۹) وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِّنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ أَمْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَمْ فَلَا تَعْقِلُونَ. ما + الا: ( آمدن حرف نفی همراه با حرف استثناء و حصر برای مفید تأکید است. لم: حرف نصب و جزم در تأکید نفی است. كيف: اسم استفهام در محل نصب متعلق به خبر مقدم كان محذوف و تأکید است. لدار: لام ابتدا و تأکید است.
- (۱۱۰) حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَرَ الرُّسُلُ وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرًا مِّنَّا فَتُجَىٰ مِّنْ نَّشَأٍ وَ لَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ. ان: از حروف مشبیه بالفعل، نصب و تأکید است. قد: حرف تحقیق بر سر فعل ماضی وارد شده فعل را تأکید می کند و بیانگر قانون یا حکم قطعی است. المجرمین: تأکید اطناب از طریق صفت برای توضیح اسم معرفه آمده است.
- (۱۱۱) لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَ لَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ. لقد: لام قسم و تأکید، قد: حرف تحقیق بر سر فعل ماضی وارد شده فعل را تأکید می کند و بیانگر قانون یا حکم قطعی است. في قصصهم: جارو مجرور متعلق به خبر كان مقدم محذوف و تأکید است. لكن: در تأکید استدراك از حروف مشبیه بالفعل است.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

## نتیجه گیری

آنچه در بررسی آیات سوره یوسف (علیه السلام) مورد تحلیل و ارزیابی گرفت این نتایج بدست آمده است که در داستان حضرت یوسف (علیه السلام) خداوند در شیوه و بیان و اهمیت جایگاه آن حضرت از ابزارهای مختلف اسلوب تاکید برای تاثیر گذاشتن و آگاه ساختن مخاطب استفاده کرده است. به عنوان مثال در آیه (( إِذْ قَالَ لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيَّ أُمِّيَنَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ / ۸)). کلام با «لام» ابتدا که مفید تاکید به منظور تحقق خبر است و محبت شدید پدر نسبت به حضرت یوسف و بنیامین علیهماالسلام را می رساند، آغاز شده است. این لفظ مضمون جمله را تثبیت کرده و از آن محبت شدید بی چون و چرای حضرت یعقوب علیه السلام نسبت به دو برادر اراده شده است. و از دیگر نتایج این است در اکثر آیات از دو حروف «أَنَّ و إِنَّ» بیشتر استفاده شده و از بسامد بالایی در بین سایر اسالیب تاکید برخوردار است و این دو حروف به اتفاق نظر اکثر نحویان از تکرار در جمله جلوگیری کرده و تثبیت و تقویت معنا را در پی دارد و بالا بودن بسامد این حروف نشانگر آن است که آنچه در داستان حضرت یوسف (علیه السلام) اتفاق افتاده است اتمام حجت در جهت القای مفهوم به مخاطب بوده است.

## منابع و مآخذ

### قرآن کریم

- آذرنوش، آذرتاش، آموزش زبان عربی ۱، مرکز نشر دانشگاهی، (۱۳۶۶) تهران.
- الأمين، سید محسن، أعيان الشيعة، دارالتعارف للمطبوعات، بيروت- لبنان، ۱۹۲۷ م.
- ابن عاشور، محمد طاهر بن محمد، التحرير و التنوير، موسسه التاريخ، بيروت، ۱۴۲۰ ق.
- امين شيرازي، احمد، آئين بلاغت، شرح مختصر المعاني، چاپ دوم، (۱۳۷۱) بی نا.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، تحقیق: محمد عبدالرحمن المرعشی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
- حسن، عباس، النحو الوافی، بیروت لبنان، مکتبه المحمدی، اول، ۱۴۲۸ هـ.
- رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
- الرازی، فخرالدین، التفسیر الکبیر، عبدالرحمان، محمد الازهر، چاپ اول، ۱۳۲۸ هـ.
- رشید الشرتونی، ترجمه سید علی حسینی، ترجمه و شرح مبادی العربیة جلد ۴ (۱۳۹۵)، قم موسسه انتشارات دارالعلم.
- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبد الله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، لبنان، مطبعه دارالفکر، ۲۰۰۱ م، ۱۴۲۱ هـ.
- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبد الله، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ سوم، بیروت، لبنان، دارالمعرفه بی تا
- الزمخشري، ابوالقاسم جارالله محمود بن عمر، الفائق فی غریب الحدیث و الاثر، تصحیح علی من البیجاوی و محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ اول، القاهرة، ۱۳۶۴ هـ، ۱۹۴۵ م.
- سیوطی، ابوالفضل جلال الدین عبدالرحمن ابوبکر، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، لبنان، دارالفکر، ۱۹۸۳ م.
- صفایی حائری، علی، استاد و درس (صرف و نحو)، (۱۳۸۱) ه ش، ليله القدر، قم
- صفایی، غلامعلی، ترجمه و شرح معنی الأديب، (۱۳۸۷)، قم، قدس .
- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: موسوی همدانی، سید محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسیه ی حوزه علمیه قم، چ پنجم، ۱۳۷۴ ش.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- طبرسی ، ابو علی الفضل بن الحسن ، جوامع الجامع ، بیروت ، لبنان ، دار احیاء التراث العربی ، ۱۹۸۶ م.
- غازی ، عنایت، هدی الفرقان فی علوم القرآن، بیروت، لبنان، عالم الكتاب، ۱۴۱۶ هـ
- فاضلی، محمد، شیوه های بیان قرآن کریم، چاپ اول ، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۸۲ ش.
- قاسمی، محمد جمال الدین، محاسن التاویل، تحقیق: محمد باسل عیون السود، بیروت، دار الکتب العلمیه، ج اول ، ۱۴۱۸ ق.
- قرائتی ، محسن ، تفسیر نور ( ۱۳۷۴ ) ، تفسیر قرآن، موسسه در راه حق ، چاپخانه سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد.
- ناظمیان، رضا، روشهایی در ترجمه از عربی به فارسی، سمت، ( ۱۳۸۱ ) تهران
- الهاشمی، سید احمد، شرح و ترجمه جواهر البلاغه تألیف حسن عرفان، ( ۱۳۸۸ ) نشر بلاغت ، قم
- یعیش بن علی، ابن یعیش، ابوالبقاء موفق الدین، شرح المفصل ، القاهره دارالطباعة المنیره ، بی تا، ( ) مقالات و پایان نامه ها

- ۱- سید محمدباقر، حسینی، صوربلاغی اسلوب تاکید در آیات قرآن کریم، مجله زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد، ش پنجم، ۱۳۹۰، ص ۷۸.
- ۲- سمیه یوسفی، اسلوب تاکید در پنج جزء آخر جزء آخر قرآن کریم، دکتر مجتبی بیگلری، دانشگاه رازی، دانشکده علوم و ادبیات انسانی ، گروه الهیات و معارف اسلامی، خرداد (۱۳۹۳).
- ۳- محترم، ترخاصی، بلاغت تأکید و کاربرد آن در قصص انبیاء ( علیهم السلام)، دکتر سید محمد امام زاده، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری، گروه علوم قرآن و حدیث، مهر ماه (۱۳۹۲).

## Abstract:

The Holy Quran is an eternal book and it was revealed to the Prophet's heart by the Almighty for the guidance and salvation of people with the best words and methods. Always different aspects of the Quran including Its eloquence has attracted the attention of researchers and experts in religious sciences. One of the interesting researches in this field is the discussion related to the styles of emphasis used in the verses of the Quran. The present research aims to use the library method and relying on the descriptive-analytical method, firstly to express some of the various tools of its origins and conclusions and the styles of emphasis used in the verses of Surah Yusuf (peace be upon him). from the point of view of syntax and rhetorical science, and then to express the functions of each of the styles of emphasis in each of the verses. The results of this research indicate that various means of emphasis have been used in most of the verses and it shows that God has used them for the importance of the subject and the appropriateness of the sentence.

**Key words:** Holy Quran, rhetoric, syntax, emphasis style